

# بو طيقای شعر نو

نگاهی رسيء به نظريه و شعرِ

فردوسی

شاپور جورکش



## فهرست

۷..... **پیشگفتار**

۱۳..... **۱. گونه‌های متفاوت آب برداشتن از رودخانه**

سرچشمه برداشت‌های متفاوت ۴۰

۴۷..... **۳. میدان دید تازه**

استغراق یا دفتر مسطوره (۴۹، الف) بینایی ویژه (۵۱، ب) شنوایی شاعرانه  
۵۱، ج) خلوت (۵۲، د) قدرت جدا شدن از خود (۵۲، ابژکتیویته -  
سوپژکتیویته ۵۳، وصف ۶۳، روایت ۶۶، مؤلفه‌های اصلی دیدگاه نیما ۷۰،  
چکیده مطالب ۷۲

۷۵..... **۳. تکنیک**

تفصیل و تأویل طرح (شاعر - خلوت) ۸۱، استغراق (حلول - تخمیر - ذوب)  
۸۵، ابژکتیویته (مشاهده - سوپژکتیویته) ۸۸، وصف (وصف بدلی، وصف  
اصلی، نمایش، تصویر، دیکلماسیون، فرم، موسیقی، سمبول) ۱۰۰، روایت  
(نقالی، نمایش، داستان، زمان، مکان، زبان) ۱۱۳، ای فرمانروا حاضر م ۱۱۹

## گونه‌های متفاوت آب برداشتن از رودخانه

عقیده، اساساً عبارت از سرگرمی است. جزّ و بحث در سر آن نیز یک نوع سرگرمی محسوب می‌شود.

نامه‌ها، ص ۳۵۰

مؤلفه‌های شعر نو کدامند؟

پاسخ‌های پژوهشگران، متفاوت است. اما تردید کردن در این پاسخ‌های پذیرفته شده هم به قول نیما می‌تواند نوعی سرگرمی باشد. به ویژه وقتی می‌بینیم بیش‌تر پژوهش‌هایی که در مورد نیما صورت گرفته، در مقام مقایسه، تقابلاتی نزدیک به تناقض دارند. برای مثال، نیما در نظریه‌پردازی‌های خود، بارها و بارها از دو واژه «سوپرکتیویته» و «ابژکتیویته» سخن می‌گوید. منظور نیما از این دو واژه چیست؟

شاعر بزرگ معاصر، آقای اخوان ثالث در توضیح این دو واژه، ما را به دو اصطلاح قدمایی «خبر» و «عیان» ارجاع می‌دهد و معتقد است که منظور نیما این بوده که شاعر باید شنیدنی‌ها را دیدنی کند:

یک تعبیر دیگر این معنی — که یاری دیدن به دریافتن باشد — همان است که قدمای ما از آن به «عیان» و «خبر» عبارت می‌آورند...

به تعبیر ما «خبر» حاکی از ذهنیت است، چه برای شنونده و چه برای گوینده. از این رو احتمال دروغ و راست در آن بسیار است. ولی «عیان» دروغ

بر نمی‌تابد و به خلاف ذهنیات آدمی، جای انکار در آن نیست و با عینیت منطبق است... نیما بنا به صراحت‌هایی که در نظرات خود دارد و به دلیل بسیاری از آثارش بی‌صراحت، در شیوه بیان معتقد به جستجو و ارائه تصاویر و جلوه‌های عینی و مشهود است.

با این تعبیر می‌توان گفت که نیما صورتگر معنی می‌خواهد باشد، نه خبرگزار آن.

بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج، صص ۲۴۴ - ۲۵۰.

در واقع اخوان ثالث دو واژه سوئژکتیویته و ابژکتیویته را به «کلمه» ارجاع می‌دهد و معتقد است که منظور نیما این است که شاعر باید کلمه را از حالت شنیداری به حالت دیداری و تصویری در بیاورد:

و نیز در جایی دیگر در «کار شب پا» می‌خوانیم که:

...

هول غالب همه چیزی مغلوب.»

چنان که به جای خود خواهم گفت، گفتگو از هول با این نحو خیلی سوئژکتیو است.

«هول» را چگونه ببینیم؟ ما آن را می‌شنویم، آن هم به صورت کلمه، اما نیما فوراً این سوئژکتیویسم را به نشان دادن جلوات ابژکتیو جبران می‌کند، سخن از مرد «شب پا» ست در هوای مه‌آلودی که او در آن با طبل کوچک و شیپور شاخی اش تنهاست و مزرعه برنج را می‌پاید. جز آرامی و سکوت و شب، چیزهای دیگری هم در آن صحنه هست، چه «تا این جای داستان» و چه بعدهاش که برای ما تصور «هول» را بیش‌تر آفتابی می‌کند. منجمله دنباله همان مصرع است که می‌خوانیم:

می‌رود دوکی، این هیکل اوست

می‌رمد سایه‌ای، این است گراز...

و معنی کم‌کم صورت می‌یابد.